



فصلنامه اندیشه حقوقی معاصر

www.lthjournal.ir



دوره چهارم، شماره اول، بهار ۱۴۰۲

تأثیر افکار عمومی بر جرم‌انگاری‌ها در سیاست کیفری ایران

ابراهیم قربانی^۱

۱. دکترای تخصصی حقوق کیفری و جرم‌شناسی، عضو مرکز وکلای قوه قضائیه، ایران.

چکیده

یکی از پدیدهای اجتماعی که جایگاه مهمی در سیاست‌گذاری‌های کیفری دارد، افکار عمومی است. این پدیده با توجه به ساختار و چارچوب نظام‌های سیاسی و حقوقی دارای کارکردهای متفاوت در سیاست کیفری می‌باشد. یکی از جنبه‌های تأثیرگذاری این پدیده در سیاست کیفری ایران، مباحث مربوط به جرم‌انگاری‌ها است. همین مسأله و میزان تأثیر باعث آن شده که سیاست‌گذاران کیفری آن را به عنوان عامل مهمی در راستای تعیین جرایم و مجازات‌ها در نظر بگیرند. پس بنابراین توجه به افکار عمومی در تعیین مبنا و ملاک جرم‌انگاری‌ها می‌تواند نتایج مفیدی برای سیاست کیفری داشته باشد. تحقیق حاضر با هدف تبیین نقش و اثرگذاری افکار عمومی بر سیاست کیفری ایران، با روش توصیفی و تحلیلی، مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای صورت گرفته است. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که افکار عمومی با واکنش خوبی نسبت به حوادث ارتکابی در جامعه تأثیر بهسازی‌ای در جرم‌انگاری‌ها داشته و همین مسأله زمینه‌های جلب توجه سیاست‌گذاران کیفری به افکار عمومی را فراهم آورده است. بنابراین جرم‌انگاری‌های اسیدپاشی، زمین‌خواری، جرم‌انگاری فعالیت در شرکت‌های هرمی و ... از جمله جرم‌انگاری‌های متاثر از افکار عمومی بر سیاست کیفری می‌باشد.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۴۵-۳۷

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید: ۱-۷۷۷X-۴۹۰۹-۰۰۰۰-

تلفن: +۹۸۹۱۴۴۴۲۴۴۰

ایمیل: ghorbani9@yahoo.com

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۱۱

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۱/۰۹/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۱۹

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۱/۰۱

واژگان کلیدی:

افکار عمومی، عوام‌گرایی، کیفرگرایی، سیاست کیفری.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به صورت غیرتجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

مقدمه

دخلالت مردم در سرنوشت خود تأثیر می‌گذارند (لازار، ۱۹۹۴: ۱۲).

بی‌هیچ تردید، افکار عمومی هر جامعه در بستر قالب‌های ارزش اجتماعی و فرهنگی آن جامعه شکل می‌گیرد و تحول می‌پذیرد. به عبارت دیگر، هر جامعه نوع فکری و عقیدتی مخصوص به خود را دارد و واکنش‌های جمعی خاص خود را نشان می‌دهد. ماهیت افکار عمومی از یک جامعه به جامعه دیگر و حتی از زمانی به زمان دیگر در یک جامعه تفاوت دارد (سسوی، ۱۳۵۴: ۲۷)، پس با این وصف بررسی افکار عمومی مستلزم شناخت فضایی است که در آن شکل می‌گیرد.

گستره افکار عمومی به حدی است که شامل تأثیرگذاری و تأثیرپذیری در تمامی اشخاص، مؤسسات، سازمان‌ها و گروه‌های است، از همین‌روی به تدریج نه تنها نظام‌های سیاسی، بلکه سیاست‌گذاران جنایی را نیز به سمت شناخت و بهره‌گیری از آن سوق داده و این مسئله در همه نظام‌های حقوقی دنیا و از جمله نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران با درجات کم و زیاد وجود دارد و اغلب بر این امر واقفند که بی‌توجهی به افکار عمومی در سیاست‌های کیفری نمی‌تواند چندان پایدار و مستحکم باشد (پاک‌نهاد، ۱۳۹۳: ۲۵).

توجه به افکار عمومی در تعیین مبنای ملاک جرم‌انگاری می‌تواند دارای نتایج مثبت و منفی باشد. از یکسو افکار عمومی در هر جامعه انتظار دارد که خواسته‌ها و مطالباتش مورد توجه مسؤولین قرار گیرد. بنابراین هنگامی که اعضایی که جامعه احساس کنند خواسته‌های آنان مورد توجه قانون‌گذاران قرار گرفته و در قانون متجلی شده، بیشتر نسبت به آن انس و الفت پیدا می‌کنند و این را بزرگ‌ترین ضامن ثبات و مشروعيت یک نظام حقوقی و حتی سیاسی می‌دانند. از سوی دیگر، گرچه تشکیل وجود یک جامعه ایده‌آل که در آن افراد به خودی خود و بدون وجود ضمانت اجراء‌های قانونی، بایدها و نبایدهایی که هر جامعه برای ادامه حیات خود تشخیص می‌دهد را رعایت کنند، مشکل است، اما نکته مهم آن است که نقش وجود آن درونی افراد (پلیس درونی) در پاییندی به قانون اگر بیشتر از ضمانت اجراء‌های قانونی (پلیس بیرونی) نباشد، کمتر نیست. بنابراین در آن نوع از قانون‌گذاری که افکار عمومی را بیش از حد مورد توجه قرار می‌دهد، علی‌رغم نتایج و آثار مثبتی که به همراه دارد، همواره در معرض یک خطر بزرگ است و آن

عصر حاضر، دوران پرشتاب فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی است که چهره زندگی، شیوه اندیشیدن، تولید و بازتولید، مصرف، تجارت، مدیریت، جنگ، صلح و آرامش را در جهان متحول کرده است. دو عامل مهم، یعنی آشنایی مردم با رویدادها، حوادث اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی و پیشرفت لحظه‌ای فناوری ارتباطات جمعی در سراسر دنیا در کنونی از خودروزی، آزاد اندیشی و مسائل حقوق بشری را پدید آورده‌اند و همین مسائل و از قبل آن باعث شده که مردم در مقابل برخی از رویدادها واکنش چه از نوع منفی و یا مثبت نشان دهند، لذا در چنین وضعیتی، شناخت افکار عمومی و نقش آن از جایگاه والایی برخوردار است (دادگران، ۱۳۹۳: ۷).

اصطلاح افکار عمومی به معنای امروزین آن نخستین بار توسط ژاک نکه^۱ وزیر دارایی لویی شانزدهم در آغاز انقلاب فرانسه مطرح شد، او این ترکیب را بهمنظور بازگوکردن علت رویگردانی سرمایه‌گذاران از بورس به کار برد. افکار عمومی برای او «روح جامعه» و میوه ارتباط گسست‌نای‌پذیر بین انسان‌ها به حساب می‌آمد. او می‌گفت «افکار عمومی قدرت نایابی است که بی‌گنج و بی‌محافظ و بی‌ارتش، برای شهر و برای دریار و حتی برای قصر پادشاهان قانون وضع می‌کند» (لازار، ۱۹۹۴: ۷).

افکار عمومی پدیده‌ای است که شرایط و معیار آن در قانون اساسی هیچ کشوری پیش‌بینی نشده است، به قول ژرژ‌گالوب^۲: «قضاؤت توده‌ها در اصل اساسی‌تر و غالباً بهتر از قضاؤت قانون‌گذاران است.» ایشان در سال ۱۹۶۴ گفتند: «اگر مردم حقایق را پدانند، عاقلاً هر قضاوی می‌کنند، کوهی از مدرک و شواهد، درستی این اندیشه را ثابت می‌کند» (دادگران، ۸: ۱۳۹۳)، پس افکار عمومی در واقع قضاؤتی است که مورد قبول عامه مردم است و جنبه احساسی نیز دارد و ممکن است غلط باشد، ولی واقعیت دارد.

به‌هرحال باید دانست افکار عمومی یک پدیده واحد و مستقل نیست، بلکه پدیده‌ای است که با دیگر پدیده‌های گوناگون پیوند نزدیک دارد. اقلیت و اکثریت، وضعیت‌های تنشی، تبلیغات، رسانه‌های گروهی، قوانین اجتماعی هریک در کم و کیف

^۱- Jacques Neck

^۲- Georges Gallup

عمده جامعه در برابر حوداثی اطلاق می‌شود که برای جامعه جنبه حیاتی دارد و یا دست کم بخش عمدۀ آن را حیاتی تلقی می‌کنند (علی‌بابایی، ۱۳۸۲: ۹۸).

در تعریف دیگر، افکار عمومی عبارت است از «مجموع عقاید، نقطه‌نظرها و گرایش‌های بخش بزرگی از جامعه پیرامون یک موضوع در یک زمان معین» و یا «افکار عمومی مجموعه‌ای از عقاید شخصی، در مورد یک امر مربوط به شرایط زیست گروهی است» (هوشمند، ۱۳۸۴: ۲۷).

افکار عمومی در اصطلاح بمنظور، روش و ارزیابی مشترک گروهی اجتماعی در رابطه با یک موضوع مورد توجه و علاقه همگان گفته می‌شود که در لحظه مشخص بین تعدادی از افراد یک قشر یا طبقه یا سراسر اجتماع به‌طور نسبی عمومیت پیدا کرده است (آقابخشی، ۱۳۷۹: ۴۸۰).

در هر صورت، افکار عمومی، پدیده‌ای روانی - اجتماعی و خصلتی، جمعی است و عبارت است از ارزیابی، روش و نظر مشترک گروهی اجتماعی در مسائلی که همگان به آن توجه و علاقه دارند و در لحظه معینی، بین عده زیادی از افراد و اشاره مختلف جامعه نسبتاً عمومیت می‌یابد و عامه مردم آن را می‌پذیرند. افکار عمومی به صورت تأیید یا مخالفت با یک عمل، نظر، شخص واقعه با خواسته، مطالبه، پیشنهاد و توصیه تجلی می‌یابد (مهرآر، ۱۳۷۲: ۳۷۱). بنابراین تاریخ هیچ جامعه‌ای عاری از این پدیده نیست و در هر جامعه‌ای افکار عمومی در بستر قالب‌های اجتماعی، فرهنگی، حقوقی و ... شکل می‌گیرد و برهمناس اساس توانایی شکل‌دهی به سیاست کیفری را دارد.

۱-۲- جرم‌انگاری

جرائم‌انگاری فرایندی است که به‌موجب آن قانون‌گذار با در نظر گرفتن هنجارها و ارزش‌های اساسی جامعه و با تکیه بر مبانی نظری مورد قبول خود، فعل یا ترک فعلی را منوع و برای آن ضمانت اجرای کیفری وضع می‌کند. براین اساس جرم‌انگاری امری پسینی و مبتنی بر علوم زیرساختی همچون فلسفه حقوق، فلسفه سیاسی و علوم اجتماعی است (آقاببابی، ۱۳۸۴: ۱۱).

۱-۳- سیاست کیفری

«سیاست کیفری به‌معنای مقابله با ارتکاب بزه با ابراز کیفر مانند تمامی سیاست‌های دیگر دولتی دارای الگوهای خاص

اینکه دچار پدیده عوام‌گرایی کیفری^۱ شود و این نیز به‌نوبه خود می‌تواند جنبه‌ای منفی برای یک نظام حقوقی تلقی شود (قریبانی و همکاران، ۱۴۰۰: ۶).

بنابراین اگر سیاست کیفری بر آن باشد تا به افکار عمومی توجه داشته باشد، خواهوناخواه به سمت یک رویکرد پوپولیستی یا رویکرد عوام‌گرایانه سوق داده می‌شود (پاک‌نهاد، ۱۳۹۳: ۱۱) و این موضوعی است که در چند قرن اخیر شاهد آن بوده‌ایم و احساس می‌شود روزبه‌روز هم بر میزان این تأثیر افزوده شود، چراکه به محض ارتکاب جرایمی که افکار عمومی خود را درگیر آن می‌بیند واکنش اولیه‌اش نسبت به آن رویداد مجرمانه عموماً سخت‌گیرانه است و پاسخ‌های قضایی را خفیف و ناعادلانه می‌داند (Keijser et al, 2007: 131-161)، لذا خواهان برخورد شدید، فوری و آنی مراجع ذیربظ بوده و به‌تبع آن نیز مقتن بارها به شیوه‌ای احساسی نسبت به وضع قوانین و یا متروک تلقی کردن آن‌ها در مقام عمل اقدام نموده است و این نشانگر تأثیر چشم‌گیر افکار عمومی در برخی از موارد بر سیاست کیفری نظام جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. بنابراین با این اوصاف ما درصد پاسخگویی به این پرسش هستیم، جرم‌انگاری‌های متأثر از افکار عمومی در سیاست کیفری ایران، کدام‌ها هستند؟ برای پاسخ‌دادن به این سؤال، ابتدا تعریف واژگان افکار عمومی و سیاست کیفری مورد مذاقه قرار می‌گیرد و سپس به عوامل مؤثر بر جهت‌گیری افکار عمومی نسب به عدالت کیفری اشاره می‌شود و درنهایت به برخی از جرم‌انگاری‌ها که تحت تأثیر افکار عمومی بر سیاست کیفری ایران صورت گرفته‌اند، اشاره خواهد شد.

۱- تعریف مفاهیم

در این بند، به بررسی مفاهیم اصطلاحات اساسی پژوهش پرداخته می‌شود.

۱-۱- افکار عمومی

اصطلاح افکار عمومی در قرن هجدهم به‌منظور بیان افکار نخبگان فرانسه نسبت به پادشاه استفاده می‌شد و بعد از انقلاب فرانسه به‌معنای نظرات همه افراد (نخبگان و عموم مردم) نسبت به دولت و با عبارت افکار عمومی رایج شد (نقیب‌زاده، ۱۳۸۸: ۲۲۸). به‌طور کلی افکار عمومی به عکس‌العمل بخش

^۱- Penal Populism

می‌برند» (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۱: ۱۱۵)، پس با این وصف، سیاست جنایی تدبیری است واقع‌بینانه و خردگرایانه برای کنترل بزه‌کاری که به دو شکل کیفری و غیرکیفری ارائه می‌گردد.

۲- پیشینه پژوهش

به‌منظور انجام پژوهش کنونی به مطالعه تحقیقات انجام‌گرفته مرتبط با موضوع پرداخته شده است. نکته قابل توجه آنکه در میان تحقیقات قبلی، تحقیقی مشابه تحقیق حاضر که به نقش افکار عمومی و اثرگذاری آن بر سیاست کیفری ایران پرداخته باشد، صورت نگرفته است، بر این اساس با توجه به موضوع، نزدیک‌ترین تحقیقات راجع به ابعاد انتخاب و خلاصه‌ای از آن‌ها در ادامه آورده می‌شود:

قربانی و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی تحت عنوان «جاگاه افکار عمومی در محاکم کیفری ایران از دیدگاه دست‌اندرکاران نظام عدالت کیفری» بر این عقیده هستند که افکار عمومی یکی از نیروهایی است که همواره دنبال مطالبات خاصی بوده به‌گونه‌ای که نمی‌توان تأثیر آن را بر وقایع و رخدادهای گوناگون جامعه در ابعاد مختلف، حتی نظام کیفری نادیده گرفت. درنهایت بعد از آنالیز داده‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که ویژگی‌های فردی بزه‌دیده، نوع جرم ارتکابی و ... بر جایگاه افکار عمومی در رسیدگی‌های کیفری تأثیر دارد.

مقتدایی و اسفرجانی (۱۳۹۶) در پژوهشی تحت عنوان «بررسی تأثیر مدیریت افکار عمومی بر احساس امنیت اجتماعی شهروندان اصفهانی» ضمن بررسی این مسئله که احساس امنیت اجتماعی در جامعه زمینه را برای سازگاری بین گروه‌های اجتماعی، قومی، دینی و نژادی مختلف (با توجه به تنوع این شاخص‌ها در کشور ما) فراهم و فضای اجتماعی امن‌تری برای تعاملات اجتماعی گروه‌ها با یکدیگر ایجاد می‌کند، به این نتیجه رسیده‌اند که عواملی مانند رهیان فکری، تبلیغات، گروه‌های فشار سودطلب و آرمان‌گرا و استفاده از رسانه‌های داخلی بر احساس امنیت اجتماعی افراد مدنظر به صورت مستقیم و معنادار و شایعات، میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های خارجی بر این احساس، به شیوه معکوس و معنادار تأثیر دارند.

می‌باشد» (مهراء همکاران، ۱۳۹۵: ۱۷۷). در تعریف دیگر، سیاست کیفری «واکنش عملی در قبال فعل یا ترک فعلی که بیانگر خدیت علیه ارزش‌های اساسی متباور در نظم عمومی است» (عرفانی و مصطفایی، ۱۳۹۷: ۱۴۰). به‌طور کلی سیاست کیفری مجموعه‌ای منسجم و یکپارچه از تدابیر تقنیّی، قضایی و اجرایی در حوزه حقوق کیفری شکلی و ماهوی است که با در نظرگرفتن اصول و معیارهای دادرسی عادلانه و رعایت کرامت انسانی، درصد است تا با کشف و اثبات به‌موقع و بهینه جرم، واکنش کیفری مناسبی اعمال نماید تا به هدف کاهش نزدیک نائل آید (کرمی، ۱۳۹۴: ۲).

۳- سیاست جنایی

سیاست به‌طور مختصر و ساده عبارت است از درک، تدبیر و اداره مسائل و امور جامعه، بدین‌سان سیاست جنایی از یکسو با تجزیه و تحلیل و فهم یک امر خاص در جامعه، یعنی پدیده مجرمانه و از سوی دیگر، با عملی‌ساختن یک استراتژی (راهبرد) به‌منظور پاسخ به وضعیت‌های بزه‌کاری و انحراف، در ارتباط است (ارمغان و نقی سپهوند، ۱۳۹۶: ۱۰۱). بنابراین سیاست جنایی مجموعه شیوه‌هایی است که هیأت اجتماع با استفاده از آن‌ها پاسخ‌های علیه پدیده مجرمانه را سازمان می‌دهد (دلماس مارتی، ۱۳۹۳: ۲۵). تعریف اخیر رابطه نزدیکی با مفهوم سیاست جنایی از بعد علمی دارد، به‌گونه‌ای که با قدری مدافعه در آن معلوم می‌شود که سیاست جنایی از یکسو، علاوه بر جرم به انحراف نیز پاسخ می‌دهد و پاسخ نیز صرفاً ماهیت کیفری ندارد و از سوی دیگر، علاوه‌بر دولت، جامعه مدنی نیز در پاسخ به پدیده جنایی نقش مستقیم دارد (آشوری و مندنی، ۱۳۹۷: ۱۸۶). صاحب‌نظر دیگری، سیاست جنایی را کلیه اقدام‌های سرکوب‌گرانه (کیفری و غیرکیفری) و پیشگیرانه با ماهیت‌های مختلف می‌داند، که دولت و جامعه مدنی هر یک به صورت مستقل و یا با مشارکت سازمان‌یافته یکدیگر، از آن‌ها در قالب روش‌های مختلف به‌منظور سرکوبی بزه‌کاری و بزه‌کاران و نیز پیشگیری از بزه‌کاری و انحراف استفاده می‌کنند (لازرز، ۱۳۸۲: ۲۳). بنابر آنچه گفته شد، براساس یک مفهوم پویا می‌توان سیاست جنایی را این‌گونه تعریف نمود: «عبارت است از تدابیر و اقدامات سرکوب‌گرانه و نیز پیشگیرانه‌ای که دولت و جامعه هریک به صورت مستقل یا با مشارکت سازمان‌یافته یکدیگر، به‌منظور پیشگیری از بزه و کزمانداری، مقابله با بزه‌کاری و کنترل آن و بالاخره اصلاح یا سرکوب بزه‌کار به کار

مقدسی و فرجیهها (۱۳۹۲) در مقاله «ویژگی‌های سیاست‌های کیفری عوام‌را، مطالعه تطبیقی» به تحلیل مسأله عوام‌گرایی کیفری پرداخته‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که سیاست‌های کیفری عوام‌گرایانه معمولاً سخت‌گیرانه، عامه‌پسند، نمایشی و احساسی بوده و فاقد مبنای نظری و علمی است.

مرادی حسن‌آباد (۱۳۹۰) در پژوهشی تحت عنوان «تأثیر افکار عمومی بر ابقا یا الغای کیفر اعدام در غرب» به تعریف افکار عمومی و کیفرگرایی، عوامل مؤثر بر شکل‌گیری افکار عمومی اشاره نموده و همزمان به تأثیر افکار عمومی بر وضعیت کنونی اعدام در غرب و ایران پرداخته است و به هیچ‌وجه درخصوص جایگاه افکار عمومی در نظام حقوق کیفری ایران اشاره نداشته است.

محمودی جانکی و مرادی حسن‌آباد (۱۳۹۰) در مقاله «افکار عمومی و کیفرگرایی»، به این نتیجه رسیده‌اند که کیفرگرایی، نه یک مقوله ساده و بسیط، بلکه پیچیده و چندبعدی است و تا حدی تحت تأثیر ابزارهای جمع‌آوری داده‌ها و شیوه انجام پیمایش افکار عمومی نیز قرار دارد.

مقدسی (۱۳۹۰) در پایان‌نامه دکتری حقوق گرایش حقوق کیفری و جرم‌شناسی با عنوان «عوام‌گرایی کیفری و جلوه‌های آن در سیاست کیفری ایران»، پس از مفهوم‌شناسی، ویژگی‌های عوام‌گرایی کیفری و بسترهای ظهور آن به جلوه‌های عوام‌گرایی در سیاست کیفری اشاره نموده و به این نتیجه رسیده است که جلوه‌های عوام‌گرایی کیفری عوام‌گرایی کیفری عموماً در سیاست کیفری جرایم جنسی، جرائم خشونت‌بار، مواد مخدر، بزه‌کاری نوجوانان و مفاسد اقتصادی متجلی شده است.

دقت در عنوان و حتی نتایج پژوهش‌های مذکور، نشان از آن دارد که هیچ یک از آن‌ها به نقش افکار عمومی و بررسی تأثیر آن در حوزه جرم‌انگاری و کیفرگذاری در سیاست کیفری ایران نپرداخته‌اند، بلکه هر کدام به شیوه‌ای متمایز از پژوهش حاضر افکار عمومی را بررسی نموده‌اند. به همین سبب این پژوهش با آن‌ها متفاوت بوده و نتایج جدیدی را هم در عرصه تأثیر افکار عمومی بر سیاست کیفری در نظام حقوق کیفری ایران ارائه می‌دهد.

شیدائیان و رجبی سلمان (۱۳۹۵) در پژوهشی تحت عنوان «بزه‌دیده و عوام‌گراشدن سیاست کیفری» معتقد‌اند که بزه‌دیده به شکل‌های مختلف موجب ایجاد عوام‌گرایی کیفری می‌شود. ترس از جرم و نگرانی عمومی از آن بهنوعی سخت‌گیری کیفری عوام‌گرا را تشدید می‌کند. اغلب جرائمی با بزه‌دیدگان خاص (از حیث سن و جنسیت) توجه رسانه‌ها و افکار عمومی را بیشتر جلب می‌کند. بنابراین این جرائم بیشتر موجب برانگیختگی احساس عمومی و تأثیر آن بر سیاست جنایی می‌شود. بزه‌دیدگان با بیان توقعاتی که از نظام عدالت کیفری دارند، به‌طور مستقیم و غیرمستقیم در فرایند کیفری شرکت می‌کنند. از این طریق نیز بزه‌دیدگان می‌توانند موجب جهت‌دهی سیاست جنایی بهسوی عوام‌گرایی شوند.

فرجیهها و مقدسی (۱۳۹۳) در مقاله‌ای تحت عنوان «جلوه‌های عوام‌گرایی در سیاست‌ای کیفری مواد مخدر»، ضمن اشاره به اینکه عوام‌گرایی یکی از عوامل تأثیرگذار بر چگونگی شکل‌گیری سیاست جنایی کشورها در دهه‌های اخیر محاسب شده، به این مسأله هم اشاره کرده‌اند درخصوص مواد مخدر کاربرد سیاست جنایی عوام‌گرا پیشینه طولانی دارد و افکار عمومی هم به این برخوردها توجه ویژه‌ای داشته و از آن حمایت کرده است.

دادگران (۱۳۹۳)، در کتاب «افکار عمومی و معیارهای سنجش آن»، به مفهوم و ماهیت افکار عمومی و فرآیند شکل‌گیری آن اشاره نموده و معتقد است که افکار عمومی قدرت ناپیدایی است که توانایی وضع قوانین را برای شهرها، دولتها و دربارها را دارد و بهمثابه دادگاهی می‌ماند که خواهان مجازات مجرمین است.

خزائی (۱۳۹۲) در پژوهشی تحت عنوان «نقش و تأثیر افکار عمومی بر سیاست جنایی»، پس از مفهوم‌شناسی واژگان اساسی تحقیق به بررسی سیاست جنایی ایران و اسلام پرداخته و نهایتاً افکار عمومی و سیاست جنایی و تأثیر آن‌ها را بررسی نموده و به این نتیجه رسیده که دمکراسی ایجاب می‌نماید رهبران سیاسی همواره به احساسات مردم و خواسته‌های آن‌ها توجه داشته باشند و این مسأله را در سیاست گیری‌های خویش دخیل بدانند.

مجالس قانون‌گذاری، روزنامه‌نگاران و ... هستند. رسانه‌های ارتباط جمعی به عنوان دومین عامل تکوین افکار عمومی به حساب آمد، به گونه‌ای که تأثیر آن‌ها را بر تکوین افکار عمومی نمی‌توان نادیده گرفت، اگرچه برخی از این قبیل رسانه‌ها مثل تلویزیون و مطبوعات بیانگر افکار عمومی هستند، اما در عمل می‌توانند باعث شکل‌گیری و حتی تحریک آن شوند.

یکی دیگر از عوامل تکوین افکار عمومی نهادهای آموزشی هستند. این نهادها نظر به اینکه در مقاطع مختلف سنی پرورش‌دهنده انسان‌ها هم از لحاظ علمی و هم از لحاظ شخصیتی هستند، تأثیر مستقیمی بر افکار عمومی دارند. یکی دیگر از آن عوامل مهم مجالس قانون‌گذاری می‌باشند. در کشورهایی که قوه مقننه مستقل و مردمی شکل گرفته است. کانالی مهم و اثرگذار بر سیاست‌گذاری عمومی ایجاد شده است که به عنوان اصلی‌ترین سازوکار ارائه‌کننده افکار عمومی به سیاست‌گذاران جنایی است.

بدون شک عوامل مختلف و متعددی بر جهت‌گیری افکار عمومی نسبت به عدالت کیفری تأثیر دارد که بررسی آن‌ها ضروری به نظر می‌رسد، به همین سبب در ذیل به بررسی هریک از این عوامل به طور مختصر می‌پردازیم.

۱- سیاست جنایی حاکم

سیاست جنایی اتخاذی در یک جامعه، در روان‌شناسی مردم بسیار تأثیرگذار است. زمانی که در جامعه‌ای دستگاه قضایی متمایل به استفاده از مجازات‌های جایگزین حبس شود و این قبیل مجازات‌ها را در احکام اصدری به مردم معرفی کند، این مسئله باعث نهادینه‌شدن آن‌ها می‌شود، لذا افکار عمومی نسبت به آن‌ها تمايل نشان داده، اما در جامعه‌ای که دستگاه عدالت کیفری بر کیفرگرایی تأکید دارد و از مجازات‌هایی همچون اعدام مرتكبان جرایم خاص، مثل محاربه، سرقت مسلح و ... بهره برد، افکار عمومی کم‌کم با چنین مجازات‌هایی درآمیخته خواهد شد (پاک‌نهاد، ۱۳۹۳: ۱۶).

۲- رسانه‌ها

در عصر حاضر به جرأت می‌توان گفت، مهم‌ترین منبع کسب اطلاعات مردم از سوژه‌های عدالت کیفری، رسانه‌ها آن هم از نوع فضای مجازی می‌باشند. رسانه‌ها تأثیر شگرفی بر

۳- عوامل مؤثر بر جهت‌گیری افکار عمومی نسبت به عدالت کیفری

در بین پدیده‌های روانی جمعی، افکار عمومی گسترده‌ترین و آشکارترین آن‌هاست. این پدیده شگرف که با پویایی توانمند خود سرنوشت جامعه‌ها را رقم می‌زند، به موتوری می‌ماند که چرخه‌ای اجتماعی را به گردش درمی‌آورد، ماشینی که می‌سازد، تخریب می‌کند، تند می‌رود، سروصدا به راه می‌اندازد و نیز خاموش می‌شود. افکار عمومی «صدای مردم» است. این صدا در همه‌جا و همه‌وقت به شیوه‌های مختلف شنیده می‌شود، اما در اکثر جوامع، حتی جوامع مدعی دموکراسی، گوش شنایی پیدا نمی‌کند. افکار عمومی بخشی از تاریخ ملت‌هاست و در هر جامعه در بستر قالب‌های ارزشی، اجتماعی و فرهنگی آن جامعه شکل می‌گیرد و تحول می‌پذیرد. به عبارت دیگر، هر جامعه تنوع فکری و عقیدتی مخصوص به خود را دارد و واکنش‌های جمعی خاص خود را نشان می‌دهد. ماهیت و صورت افکار از یک جامعه به جامعه دیگر و حتی از زمانی به زمان دیگر در یک جامعه تفارت دارد. بنابر این بررسی، افکار مستلزم شناخت فضایی است که در آن شکل می‌گیرد.

پدیده افکار عمومی زمانی در جامعه مورد بحث قرار می‌گیرد که نمودی عینی و آشکار داشته باشد، جنبه عینی بودن این پدیده منجر به شکل‌گیری هدایت و رهبری این پدیده در جامعه می‌شود. در بررسی چنین فرایندی برخی از اندیشمندان به دنبال مطالعه شکل‌گیری زمینه‌های ذهنی و نطفه‌های اولیه رشد این پدیده در جامعه بوده‌اند، اینکه چگونه این پدیده رشد می‌کند (غفوری و کمالی، ۱۳۸۹: ۱۷۴).

محیط پیرامونی انسان‌ها بر فرایند شکل‌گیری افکار عمومی و حتی ابعاد آن تأثیر مستقیم داشته است. به همین سبب شناخت این عوامل از ضرورت‌های مهم می‌باشد. برخی موقع موضع شکل‌گیری افکار عمومی ممکن است ناشی از تعارضات درونی فرهنگ باشد. این مسئله در دوره‌های اخیر در قالب تفاوت‌های ایدئولوژیک، برداشت‌های سیاسی و هنجاری رواج بیشتری یافته است.

نخستین عامل تکوین افکار عمومی، مردم به طور عام هستند، اما در این میان بعضی از آن‌ها نقش مهم‌تری را از بقیه دارند، به گونه‌ای که می‌توان آن‌ها را تدوین کنندگان افکار عمومی دانست که شامل سیاست‌مداران حرفه‌ای، نمایندگان مردم در

بسیار کارایی دارد. رسانه‌ها به دلیل قدرت و توانایی که در بازتاب و نمایش هنرهای صوتی و نمایشی دارد، می‌تواند جذابیت بیشتری نسبت به سایر ابزارهای آموزش داشته باشد. به عنوان مثال رسانه‌ای به نام تلویزیون به دلیل قابلیتی که از لحاظ نمایش و تصویر دارد، می‌تواند با آماده‌سازی آنچه که می‌تواند در مخاطب خود، شوق و میل به کار یا فرهنگ یا هنجرای را به وجود آورد. قابلیت‌هایی مانند صوت، تصویر و هنرهای مختلفی که در رسانه‌های مختلف به کار گرفته می‌شود، به همان اندازه که ممکن است در وقوع جرائم از سوی مخاطبانش مؤثر افتاد و شاید بیشتر از آن، می‌تواند در آموزش و فرهنگ‌سازی در میان نوجوانان و کودکان نیز مؤثر باشد. شاید بتوان نقش رسانه‌ها در انعکاس فرهنگ پهنه‌جار و نرمال جامعه و پیشگیری از ارتکاب جرم را این‌گونه تفسیر کرد که حسن و قبح هر عملی که درواقع از فرهنگ حاکم بر آن جامعه نشأت می‌گیرد، می‌تواند از طریق رسانه‌های گروهی به اقسام مختلف جامعه القاء گردد و یا با نهادینه کردن یک فرهنگ خاص با ارزش‌ها و آرمان‌های پهنه‌جار، افراد را از افتادن در مسیر انحراف و درنهایت ارتکاب بزه بازدارد. قطعاً تأثیر رسانه‌های متعدد و متعدد بر حسب محیط و برداشت تماشاگران مختلف جامعه فرق می‌کند. گروه‌های تحصیلکرده با دارای بودن معلومات کافی و آگاهی وسیع می‌توانند مسائل را از ابعاد مختلف شناسایی و بررسی کنند و درباره آن‌ها به قضایت بنتی‌بند و داوری کنند، اما گروه‌های کم‌سواد و ناآگاه به واسطه محدودیت اطلاعات و درک ناکافی در موارد زیادی قادر به تجزیه و تحلیل داده‌های دریافتی نیستند و به ناچار یا آن‌ها را می‌پذیرند و یا اینکه خود را نسبت بدان‌ها بیگانه احساس کرده، از اظهار نظر خودداری می‌کنند (آقابابایی، ۱۳۸۴: ۲۳).

یکی از ویژگی‌های رسانه‌ها سرعت در انتشار است. قدرت مخابره سریع اخبار در نقاط مختلف دنیا به وسیله رسانه‌های گروهی سبب می‌گردد که روزانه میلیون‌ها انسان در نقاط دنیا از حوادث و اتفاقات رخداده در نقاط مختلف جهان آگاه گرددند. خصیصه دیگر آن است که اخبار و برنامه‌های رسانه‌ها مدام است و تداوم این برنامه‌ها که با جهت‌گیری خاص مدیران رسانه‌ها همراه است، می‌تواند مفهوم یا مضامین مدنظر آنان را به مخاطبان خود القا نمایند، چراکه گفته‌اند که هر خبری، حتی نادرست هم با مدام است و تکرار می‌تواند به یک باور مبدل گردد. رسانه‌های گروهی این قدرت را دارند که اخبار

جهت‌دهی و جهت‌گیری افکار عمومی در قبال حوادث و موضوعات مختلف جامعه دارند که اغلب در این زمینه به شیوه‌ای ناشایست عمل می‌نمایند. رسانه‌ها در راستای جذب مخاطب و در راستای نگرش اقتصادی، تلاش می‌کنند اخبار جنایی را به صورت افراطی منتشر کنند و به همین سبب اغلب سراغ جرایم نادر و خشونت‌آمیز می‌روند. این مسأله باعث آن شده که عملکرد رسانه‌ها جنبه منفی داشته باشد. بهطور کلی رسانه دنیایی را به تصویر می‌کشد که در آن عقاید افراد، بر مبنای عضویت آن‌ها در گروه جمعیتی و نژادی‌شان است و به این طریق، عقایدی را ایجاد می‌کند که افراد تمایل به نشان دادن آن‌ها دارند (Anastasio & Chapman, 1999: 156).

هوات سه نظریه درباره برخورد رسانه‌ها با جرم به‌طور خلاصه بیان می‌کند: نخستین نظریه از تحقیق در مورد تأثیر رسانه‌ها بر خوانندگان و شنوندگان‌شان ناشی می‌شود؛ نظریه دوم، نه تنها تا حد زیادی تأثیر رسانه‌ها بر روی خوانندگان و شنوندگان‌شان را مورد پرسش قرار می‌دهد، بلکه از روش استفاده خوانندگان و شنوندگان از رسانه‌ها را نیز سؤال می‌پرسد؛ نظریه سوم، با توجه به اهمیت رسانه‌ها به عنوان یک نهاد فرهنگی برای تقویت و حمایت از توافقات و منافع اجتماعی موجود آغاز و مطرح می‌شود و نتیجه‌ای که عاید می‌شود، این است که رسانه‌ها تأثیر شگرفی بر رویکرد افکار عمومی دارند (Howitt, 1998: 122).

رسانه‌ها می‌توانند با آموزش و ایفای نقش تعلیم‌دهنده‌های نوین، برقراری و تقویت پیوندهای اجتماعی از طریق برنامه‌های گفتگو، میزگرد جشن‌ها و جشنواره‌ها، همایش‌ها و فعالیت‌های گروهی، شکل‌دادن به افکار عمومی یا انعکاس آن‌ها در مقاطع خاص، در زمینه‌های مختلف مؤثر باشند. میزان موفقیت در برنامه‌های رسانه‌ها در پیشگیری از جرم فراوان خواهد بود، چراکه اکثر مردم اطلاعات خود را در مورد جرم و مجازات از رسانه‌ها می‌گیرند. رسانه‌هایی که در به‌دست‌آوردن اطلاعات کاملاً متكی بر سیاست‌مداران هستند، لذا سیاست‌مداران از طریق رسانه‌ها بر افکار عمومی تأثیر می‌گذارند نه اینکه از افکار عمومی تأثیر بپذیرند. مشکل دیگر، فقدان انتباطی بین خطر پیش‌بینی شده از بزه‌دیدگی و تقاضا برای مجازات‌های شدیدتر است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۹).

دادرسی قرار می‌دهند. چنانکه گویی این افراد هم در جلسه دادگاه و رسیدگی حضور داشته و از جریان رسیدگی بهخوبی مطلعند. رسانه بهدلیل ویژگی‌های منحصر به فرد خود مانند گستردگی و سرعت در انتشار اطلاعات، علی‌بودن دادرسی را بهنحو چشم‌گیری گسترش می‌دهند. علی‌بودن محاکمات، معنای گسترهای دارد و اعم از بلامانع‌بودن حضور افراد در دادگاه است. بلامانع‌بودن حضور افراد یکی از جلوه‌های علی‌بودن است و نه معادل آن. از این‌رو اگر به طرق دیگر توان محاکمات را به سمع و نظر مردم رساند، اجرای اصل علی‌بودن خواهد بود و بر عکس، محدود کردن حضور رسانه‌ها یا منع استفاده از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی برای اعلان محاکمات به عموم، محدود کردن اصل علی‌بودن محاکمات محسوب می‌شود.

با وجود این، در قوانین کشورهای مختلف، علی‌بودن دادرسی، اصلی کلی و مطلق نیست و در چند مورد استثنایی به حکم قانون، رسیدگی غیرعلی‌بودن خواهد بود. اسناد بین‌المللی موجود در این زمینه نیز اجازه برگزاری غیرعلی‌بودن رسیدگی را در چند مورد صادر نموده‌اند، اما این استناد، غیرعلی‌بودن را امری استثنایی و تنها ناظر بر جریان رسیدگی دانسته، بر علی‌بودن صدور و اعلام رأی تأکید ورزیده‌اند (خالقی، ۱۳۸۳). در برخی موارد مانند پرونده‌هایی که با امنیت جامعه و منافع آن در تعارض هستند و موارد دیگری که بنابر شرایط خاص تعیین می‌گردد، اصل علی‌بودن مورد خذشه قرار می‌گیرد.

به اعتقاد بسیاری از حقوقدانان، دادرسی علی‌بودن تضمینات حقوق دفاعی متهم است. وقتی به انها مظلومون در برابر دیدگان افراد جامعه رسیدگی می‌شود، وی در برابر مقام قضایی احساس تنهایی و ضعف نمی‌کند و آسوده‌خاطر خواهد بود که قاضی از ترس قضاوت او، از تضییع حقوق و آزادی‌های قانونی متهم امتناع می‌ورزد و تمام هم و غم خود را معطوف به اجرای صحیح عدالت می‌کند. به گفته بتاتم، از حقوقدانان معروف دوره کلاسیک، علی‌بودن انگیزه‌ای برای قاضی در راستای ایفای مناسب وظایفش است. از نظر اخلاقی، دادرسی منصفانه به عنوان یک مانع عمل می‌کند که قاضی را از رفتار جانبدارانه و نادرست به هر شکل بازمی‌دارد. از بعد عقلانی نیز محرکی است که او را برای خوگرفتن به فعالیت مستمر، دقیق و منطبق بر موازین قانونی و اصول حقوقی، بدون اینکه تأثیری بر کاهش

و برنامه‌های خود را در سطح وسیع منتشر نمایند. به این صورت که کوچک‌ترین اتفاقات در یک روستای دورافتاده را به صورت گسترده در همه نقاط دنیا منتشر نمایند. همین خصوصیت رسانه‌های است که دنیا امروزی را به «دهکده جهانی» مبدل کرده است. فراوانی و گوناگونی محتوا و درون‌مایه از دیگر خصوصیات رسانه‌ها است که می‌تواند با برنامه‌های مختلف خود افراد مختلف با سلیقه‌های مختلف از سینم مختلف را مجنوب خود نماید، به گونه‌ای که افراد در همه ساعت می‌توانند از بین برنامه‌های مختلف رسانه‌های گروهی برنامه مورد علاقه خود را انتخاب نمایند. یکی از اصول رسانه‌ها، اصل و شعار «دانستن حق مردم» است. براساس این حق، رسانه‌ها این اختیار را می‌یابند که اخبار و اطلاعات را به سرعت و بهنحو گسترده در اختیار عموم بنهند، اما باید دانست که رسانه‌ها و بهویژه رسانه‌های وابسته به دولت و حکومت باید برای حفظ مصالح نظام و پذیرش مسؤولیت در برابر آن، عملکرد خوبی را بهنحو مناسبی سامان دهند (فولادی، ۱۳۹۰).

وظایف پرنگ رسانه‌ها در اطلاع‌رسانی و آموزش رفتارهای بهنجار، اهمیت این ابزارها را دوچندان می‌کند، چراکه در صورتی که رسانه‌های گروهی باوجود ویژگی‌های مانند سرعت انتشار و وسعت و قدرت انتقال پیام‌ها و اخبار گوناگون می‌توانند تأثیر شگرفی در بهنجاری یا نابهنجاری افراد جامعه داشته باشند. بنابراین رسانه‌های گروهی در صورتی که دغدغه مدیران و مسؤولان آن بر انتقال مفاهیم مفید و بهنجار سامان یابد، می‌تواند در راستای فرهنگ‌سازی و نهادینه کردن مفاهیم مثبت و با کارکرد اجتماعی مؤثر افتد، البته این نکته را از خاطر دور نخواهیم داشت که نقش و جایگاه مثبت و منفی رسانه‌ها در زندگی اجتماعی را گردانندگان و مدیران رسانه باتوجه به اهداف مدنظرشان، ترسیم و مشخص خواهند نمود. به گونه‌ای که در صورتی که آموزش و تربیت کودکان و نوجوانان با توجه به وسعت تأثیرپذیری آنان و همچنین ایجاد قبح اجتماعی نسبت به رفتارهای مذموم، مد نظر اصحاب رسانه قرار گیرد، بیش از هر ابزار دیگری تأثیرگذار خواهد بود.

رسانه‌های گروهی به عنوان متولیان اصلی اطلاع‌رسانی و آگاهی مردم و افکار عمومی، در راستای علی‌بودن محاکمات می‌توانند نقش مهمی را ایفا کنند. بدین‌گونه که با اطلاع‌رسانی به افراد دیگری که در جلسه دادگاه حضور نداشته‌اند، آنان را در جریان

چه همان‌گونه که گفته‌اند کافی نیست که عدالت به مرحله اجرا درآید، علاوه‌بر آن اعمال عدالت باید ملموس و رؤیت‌شدنی باشد (آشوری، ۱۳۸۳)، بنابراین تضمین حق متهم و مصلحت جامعه در کنار هم مبانی و اساس اصل علی‌بودن دادرسی را تشکیل می‌دهند. از این‌رو نه به بهانه حمایت از منافع جامعه می‌توان حقوق و منافع فردی متهم را قربانی کرد و نه به نام تضمین حقوق دفاعی متهم می‌توان مصالح عمومی را نادیده گرفت. منفعت جامعه چیزی جز فراتر از حقوق متهمان و مجرمان نیست (امیدی و نیکوبی، ۱۳۸۷).

۳-۳- گروه‌های فشار

در هر جامعه‌ای نمادی از این گروه‌ها وجود دارد که بسته به نوع نظام سیاسی، اجتماعی و موضوع مورد نظرشان، تعداد آن‌ها متغیر است. این قبیل از گروه‌ها سعی بر آن دارند تا از طریق برگزاری تجمع‌ها، کمپین‌ها و راهپیمایی‌ها برای تصویب آن قانونی که مدنظر دارند، افکار عمومی را به طور گستردگی و وسیع قانع نموده و هم‌زمان سیاست‌گذاران جنایی را تحت فشار قرار بدهند تا به خواست خویش برسند. در نظام حقوق کیفری جمهوری اسلامی ایران این عده در اقلیت محض می‌باشند که تا به حال توفیقی در اقناع افکار عمومی برای همراهی خویش به دست نیاورده‌اند و بدین‌سبب نیز سیاست‌گذاران جنایی آن‌ها را نادیده گرفته‌اند، اما در برخی از کشورها چنین گروه‌هایی نظر به موقعیت ناگوار سیاسی و اجتماعی و همراهی افکار عمومی به‌دلیل نارضایی از سیستم حقوقی و عدم امنیت جانی، مالی و ناموسی و ... به طور وسیع موفق بوده و حتی قانون‌گذاران را وادار به تصویب قوانین مختلف کرده‌اند، از جمله می‌توان به قوانین سه ضربه در آمریکا اشاره کرد (رابرتز و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۵۴).

۴- عوامل مؤثر بر تأثیرگذاری افکار عمومی بر سیاست کیفری
تأثیر افکار عمومی بر سیاست کیفری نشأت‌گرفته از عوامل متعدد و مختلفی است، اما در بین همه آن‌ها عواملی نظیر «نوع جرم ارتکابی و نحوه انجام آن، سن و جنسیت بزه‌دیده» توانسته است تأثیر بیشتری را ایفا نماید.

بدون تردید روزانه جرایم متعددی در جامعه اتفاق می‌افتد که مردم نسبت به همه آن‌ها واکنش نشان نمی‌دهند، بلکه نوع جرم ارتکابی می‌تواند تأثیر بهسزایی در این مسئله داشته باشد.

حساسیت او از انجام وظیفه‌اش داشته باشد، وادر می‌کند، چون رفتار قاضی در هنگام محاکمه تحت مذاقه و برسی افراد بسیاری به عنوان تماشاگر قرار می‌گیرد، وی نمی‌خواهد در مقابل ایشان ظالم شناخته شود. از سوی دیگر نیز علی‌بودن دادرسی باعث می‌گردد که اشخاصی که به عنوان شاهد شهادت می‌دهند از ترس افسای دروغ خود از رهگذر حضار از اظهارات خلاف واقع خودداری می‌کنند. همچنین این نوع دادرسی احتمال پیدا شدن گواهان بیشتر برای شهادت به نفع متهم را افزایش می‌دهد. مطبوعات نیز باید به‌نوبه خود بتوانند جریان دادرسی را انتشار دهند تا کارکرد دادگستری مورد سنجش و ارزیابی افکار عمومی قرار گیرد (آخوندی، ۱۳۹۴: ۱۰۲). با این ترفند، مردم درخصوص اعمال دادرسان، بازپرس و ... نظر می‌دهند و دیدگاه آنان در این زمینه شکل می‌گیرد.

در پرتو دادرسی منصفانه، حقوق بزه‌دیده، بر پایه مفهوم دسترسی به عدالت و رفتار منصفانه در کنار حقوق متهم یا بزه‌کار بر پایه مفهوم دادرسی عادلانه، دو ضلع اصلی عدالت جنایی در حقوق بشری معاصر را تشکیل می‌دهند. بنابراین در به‌کاربستن راهبرد همترازی در بستر دادرسی عادلانه، نظام عدالت کیفری همواره باید مراقب باشد که منافع بزه‌دیدگان به ابزاری برای نقض حقوق متهمان تبدیل نشود. دادرسی عادلانه تنها در این سطح است که می‌تواند بر پایه اصل خدشه‌ناپذیری حقوق بین‌المللی حقوق بشر به همترازی حقوق بزه‌دیده و متهم جامه عمل بپوشاند (رایجیان اصلی، ۱۳۸۵). در راستای اصل علی‌بودن دادرسی، رسانه‌ها و بهویژه مطبوعات نقش بسیار مهمی را ایفا می‌کنند و می‌توانند در مواردی که قانون اجازه می‌دهد و حقوق فردی و مصلحت اجتماعی را خدشه‌دار نمی‌کند، در حد مجاز به انعکاس جریان محاکمات با رعایت حدود و شغور آن بپردازند. رسانه‌های گروهی نیز در کنار علی‌بودن دادرسی می‌توانند به انتشار جریان دادرسی مبادرت نمایند. رسانه‌ها با عمل خویش، اعمال و تصمیمات قضایی را در بوته نقد و سنجش افکار عمومی قرار می‌دهند.

رسانه‌ها در راستای انتشار جریان محاکمات و اطلاع‌رسانی باید به این مهم توجه داشته باشند که اصل علی‌بودن دادرسی نباید به هیچ‌وجه منافع افراد و حقوق متهم را به خطر اندازد و یا مصالح جامعه را نادیده بگیرد. بدین‌ترتیب شفافیت در اعمال عدالت و نمایان‌ساختن آن از نتایج مفید علی‌بودن داوری است،

مردم از قتل و جزئیات پرونده، فضای جامعه متشنج شده و کار به جایی رسید که دستگاه قضایی در کوتاه‌ترین زمان ممکن حکم پرونده را صادر و حتی آن را اجرا نمود. بهطور حتم این مسأله برای اقناع افکار عمومی صورت گرفت، هرچند اگر از بعد تخصصی به مسأله نگاه کنیم، شاید ایراد وارد باشد، اما چون به وجودان افکار عمومی خدشے وارد شده بود، به ناچار و چهت جلوگیری از اتفاقات دیگر این برخورد از سوی دستگاه قضایی صورت گرفت. در غالب این موارد ترس مردم از گریبان‌گیرشدن خود یا خانواده و یا نزدیکانشان در تیررس چنین بزه‌کارانی، باعث چنین برخوردی‌ای که آنکه از احساس و هیجان هستند، می‌شود. مردم به‌شدت از ارتکاب جرم هراسان هستند، زیرا جرم ایجاد‌کننده نالمنی و حتی احساس نالمنی در جامعه است. جرم جان، ناموس، عرض، مال و آزادی افراد را مورد هدف قرار می‌دهد. تبعاً این اثر باعث می‌شود افکار عمومی نسبت به جرم حساس شود (پاکنهاد، ۱۳۹۳: ۲۵)، لذا سعی بر آن دارد به نوعی با بزه‌دیده همزادپنداری نماید. تمرکز بر همزادپنداری مبتنی بر یک سنت جامعه‌شناختی غنی است از نوع آنچه که جورج هربرت مد، به آن اذعان داشته که «خود» تنها در صورتی به باروری کامل می‌رسد که شخص بتواند نقش دیگری را عهده‌دار شود.^۲ درواقع از منظر فردی که دارای چنین توانایی است، غم دیگران، غم اوست و رنج دیگران، رنج او.

توانایی همزادپنداری را گاهی دارای پایه زیستی - عصبی دانسته‌اند و گاهی اجتماعی. اونور و کولن بر این باورند که همزادپنداری داخل در یک پروسه زیستی - اجتماعی است. به این معنا که علاوه‌بر ریشه‌های زیست‌شناختی، بر اثر مجموعه‌ای از باورهای اجتماعی (مانند باورهای نزدی و سبک استناد) و تصاویر دارای ساخت اجتماعی از جرم شکل می‌گیرد (محمودی جانکی و مرادی حسن‌آبادی، ۱۳۹۰: ۱۹۵).

۵- جرم‌انگاری‌های متأثر از افکار عمومی

افکار عمومی یک متغیر مهم در شکل‌دهی و واکنش به جرم و بی‌نظمی است. مردم به‌شدت از جرم هراسان هستند، زیرا جرم ایجاد‌کننده نالمنی و احساس نالمنی در جامعه است. جرم داشته‌های مهم مردم، یعنی جان، ناموس، عرض و مال افراد را

^۲- این امر در آموزه‌های اخلاقی ما نیز مذکور بوده و قابل تأیید است، آنچایی که از معصومین منقول است که آنچه را برای خود می‌پسندی، برای دیگران نیز پیشند و آنچه را برای خود نمی‌پسندی، برای دیگران مپسند.

افکار عمومی بیشتر نسبت به جرایم علیه منافی عفت و دون آن، جان و بهطور کلی هر آنچه را که برخلاف اخلاق پذیرفته شده و ارزشمند در جامعه باشد و وجودان عمومی را جریحه‌دار کند، واکنش نشان داده و به نوعی خواهان تدوین قانون در صورت‌نیوتن آن، تغییر یا اجرا و تشديد آن می‌باشد. در سال‌های اخیر نمونه‌های زیادی از این قبیل جرایم اتفاق افتاده است که از باب مثال می‌توان به پرونده به زنجیرکشیدن مادری در حیاط خانه توسط پسرش در ارومیه^۱ اشاره کرد که مردم به‌شدت نسبت به این مسأله متعرض بوده و همین مسأله باعث صدور دستور فوری رسیدگی برای تعقیب و مجازات مرتكبان چنین حادثه‌ای از سوی مقامات قضایی ذی‌صلاح شد.

شاید جرایم مشابه این یا آزار و اذیت والدین یا توهین به آن‌ها به کرات در جامعه صورت بگیرد، ولی افکار عمومی نسبت به تک‌تک آن‌ها واکنش نشان نداده است، بلکه نحوه ارتکاب جرم نیز در این مسأله اثرگذار است. فارغ از نوع ارتکاب جرم، نحوه انجام آن نیز بر واکنش افکار عمومی تأثیرگذار است. به عنوان مثال در پرونده قتل جوان مهابادی با استفاده از چاقو، ساطور و به آتش‌کشیدن بزه‌دیده و نهایتاً مرگ وی و گرفتن فیلم و عکس از تمامی زوایای نحوه ارتکاب بزه، باعث شد افکار عمومی در سطح بسیار گسترده‌ای به دستگاه قضایی فشار آورد تا به شیوه‌ای سریع و خارج از نوبت به پرونده رسیدگی شود که نهایتاً هم باعث صدور حکم قصاص نفس برای مرتكبان شد. شاید اگر مرتكبان، قتل را بدین شیوه انجام نمی‌دادند و مثل بسیاری دیگر از پرونده‌های قتل، جرم صورت می‌گرفت، مردم نیز این چنین رفتار نمی‌کردند.

سن بزه‌دیده و جنسیت وی نیز از دیگر عوامل تأثیرگذار افکار عمومی بر سیاست کفری است. وقتی صحبت از تأثیر این پدیده بر سیاست کفری می‌شود، نباید این گونه پنداشت که باید حتماً قانون تصویب یا تغییر یا نسخ شود، بلکه در خیلی از موارد تشديد مجازات و اجرای آن است.

سن بزه‌دیده و تفاوت معنادار آن با سن مرتكب به‌شدت باعث انججار مردم خواهد شد. نمونه عینی و بهروز این مسأله پرونده قتل آتنا اصلانی در شهرستان پارس‌آباد مغان بود. بعد از اطلاع

^۱- این پرونده مربوط به ۱۳۹۸/۰۴/۳۰ می‌باشد. متهم دستگیر و پرونده در حال رسیدگی می‌باشد و مادر نیز به بهزیستی تحويل داده شده است.

کیفری از این اموال برمی‌آید تا کارکنان دولت وجوه و اموال عمومی را تصاحب نکنند. این تضمین کیفری در لسان قانون گذار اختلاس نام دارد.

التهابات بازار ارز و سکه در سال ۱۳۹۶ باعث شد که اوضاع اقتصادی مردم بهم بخورد و بهمین سبب نظام حقوق کیفری ایران بر آن شد تا خود را با رویکرد مردم وفق و مقابله با فساد مالی را شروع نماید، چراکه افکار عمومی بهشت از این مباحث متاثر شده و خواهان برخورد با مرتكبان در این خصوص بود. بهمین سبب دستگاه قضایی اقدام به تعقیب و دستگیری عده‌ای که به نوعی در بازار ارز و سکه اخلال ایجاد می‌کردند، نمود. افکار عمومی بهشت از این مسئله حمایت می‌کرد و نهایتاً مرتكبان به مجازات قانونی خویش رسیدند و عده‌ای هم که اختلاس‌گر بودند، در انتظار مجازات قانونی هستند و یا در حال طی نمودن آن می‌باشند، از جمله آن‌ها می‌توان به پرونده‌های فساد مالی و اختلاس‌های کلان توسط سوراهای اسلامی برخی از شهرستان‌ها در شهرداری‌ها^۱ یا پرونده متهم اختلاس بیمه^۲ یا پرونده فساد مالی و اختلاس در بنیاد شهید^۳ اشاره نمود.

به‌طور کلی موارد مذکور همگی نشان از همسوبی و هماهنگی افکار عمومی - عامه مردم - و نظام حقوق کیفری ایران دارد و در این قبیل موارد افکار عمومی مورد توجه مقتن قرار گرفته که در برخی از موارد قانون کاملاً تغییر کرده و در برخی دیگر تعیین و تشدید مجازات و اجرای آن صورت گرفته است که نظر افکار عمومی از هر دو حالت محقق شده است.

مورد هدف قرار می‌دهد و تبعاً این اثر باعث می‌شود که افکار عمومی نسبت به جرم حساس شوند. حساسیت مردم در برخی از موارد به سمت و سوی قوانین می‌رود و باعث می‌شود قانون تصویب، تغییر و یا نسخ شود. این یکی از ابعاد خواست افکار عمومی در واکنش به جرایم است. هدف دیگر آن‌ها می‌تواند تعیین مجازات و اجرای فوری آن باشد. بنابراین باتوجه به این موارد، در ادامه به بررسی برخی از رفتارها که تحت تأثیر افکار عمومی جرم‌انگاری شده‌اند، خواهیم پرداخت تا نقش مهم افکار عمومی در اثرگذاری بر سیاست کیفری ایران مشخص شود.

۵-۱- جرم‌انگاری اختلاس‌های کلان

انسان بهمنظور برآوردن نیازهای خود به زندگی جمعی روی آورده و با پشت سرگزرناند فراز و نشیب فراوان، جامعه پیچیده و گستردۀ امروزی را شکل داده است. با توسعه جامعه انسانی و روابط اجتماعی، ادارات و سازمان‌های دولتی و عمومی نیز به وجود آمده و در طول زمان توسعه پیدا کرده‌اند. از زمان پیدایش حکومت و دولت و برپایی تشکیلات اداری و نهادهای عمومی، سوءاستفاده از اختیارات و فساد مالی همواره تهدیدی جدی برای نهادهای عمومی و عامه مردم بوده است.

برخی از مصاديق سوءاستفاده از اموال و امکانات عمومی و دولتی طبق قوانین و مقررات جزایی جرم محسوب می‌شوند، عبارتند از اختلاس، تصرف غیرقانونی، تدليس در معاملات دولتی، اخذ پورسانت، اختلال در نظام اقتصادی کشور. در بین همه این جرایم، اختلاس و تصرف غیرقانونی جزء شایع‌ترین جرایم اداری هستند که در اکثر کشورهای جهان به عنوان یک معضل بزرگ فراروی دولتها و دستگاه عدالت کیفری قرار دارند (منصورآبادی، ۱۳۷۹: ۱-۳).

اختلاس از جمله تعدیات کارمندان و کارکنان دولت و مؤسسات و شرکت‌های دولتی و مأمورین به خدمات عمومی است که نسبت به اموال متعلق به دولت یا سایر اشخاص انجام می‌گیرد. دولتها برای اداره جامعه و سازمان‌بخشیدن به روابط اجتماعی بخش عظیمی از سرمایه‌ها و اموال و اسناد خود را در اختیار کارکنان خود قرار می‌دهند و احتمال دارد کارکنان دولت نسبت به وجود یا اموال و اسناد دولت مرتكب خیانت شوند و آن را به فرع خود یا دیگری برداشت یا تصاحب کنند. بهمنظور جلوگیری از سوءاستفاده کارکنان دولت نسبت به سرمایه و اموال دولت و اشخاص و تضمین این سرمایه‌ها، قانون گذار در صدد حمایت

^۱- در یک فرآیند زنجیره‌ای جهت مقابله و مبارزه با فساد مالی و اختلاس از سوی نهادهای امنیتی و مراجع قضایی در برخی از استان‌های کشور، از جمله مازندران، بوشهر، آذربایجان غربی، کردستان، البرز، فارس و ... اقدامات گستردۀ و ارزندهای صورت گرفته است. تعداد کثیری از اعضا شورا، شهرداران و پیمانکاران در این راستا دستگیر و به مقامات قضایی جهت اعمال مجازات تحويل داده شده‌اند.

^۲- متهمن این پرونده یکی از مقامات اجرایی کشور در بین سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۲ بود. ایشان به مجازات پنج سال و نود و یک روز جس محاکوم شد.

^۳- فساد یکصدوهفتادمیلیارد تومانی، اعطای هشت‌هزار میلیارد تومان وام بدون ضمانت و با تبانی، کلاهبرداری از صرافی یکی از بانک‌ها در دوی به مبلغ چهارصدوسی و سه میلیون درهم، وجود پنجاه تا هفتاد نفر در یک شیکه فساد با همکاری برخی مدیران وقت بنیاد شهید و معامله با افراد و بخش‌های ممنوع‌المعامله بوده است.

از دیدار ارتکاب این جرم طی سالیان اخیر باعث افزایش احساس نامنی و هراس در جامعه شده است. این مسأله زمینه جهتگیری‌های افکار عمومی را نسبت به ضعف قوانین و برخورد دستگاه قضایی با مرتکبان این جرایم را علی‌الخصوص بعد از قضیه اسیدپاشی‌های رنجیرهای سال ۱۳۹۳ به دختران در اصفهان را فراهم آورد. مجموع این عوامل باعث آن شد که سیاست‌گذاران جنایی، خواست افکار عمومی را به نوعی با تغییر و تشدید قانون مربوطه برآورد سازند، لذا کلیات طرح «تشدید مجازات اسیدپاشی و حمایت از بزه‌دیدگان ناشی از آن» را تصویب کردند. درنهایت امر بعد از بررسی‌های تخصصی و رفع نواقص مطرح شده از سوی شواری نگهبان، طرح مزبور عنوان قانون به خود گرفت و در تاریخ ۱۳۹۸/۰۷/۲۱ عنوان قانون «قانون تشدید مجازات اسیدپاشی و حمایت از بزه‌دیدگان ناشی از آن» را به خود گرفت و تنها قانون لازم‌الاجرا درخصوص جرایم مربوط به اسیدپاشی می‌باشد. نکته قابل طرح و قوت این قانون پیش‌بینی زمینه‌های حمایت از بزه‌دیدگان ناشی از اسیدپاشی می‌باشد که مقتن در ماده ۵ از قانون^۴ مزبور به آن اشاره نموده است. قانون تصویب شده درواقع گامی است در راستای رفع نواقصی که ذکر آن رفت و حمایت همه‌جانبه از بزه‌دیدگانی که قربانی اسیدپاشی شده یا می‌شوند. می‌توان چنین عنوان کرد که تحت تأثیر فشار و خواست افکار عمومی، حضور تعدادی از قربانیان اسیدپاشی در صحن علنی مجلس جهت اعتراض به ضعف و خلاهای قانونی در مبارزه با پدیده اسیدپاشی، مجازات مرتکبان، عدم حمایت‌های مادی و معنوی از بزه‌دیدگان اسیدپاشی، رسانه‌ای‌شدن این مسأله و حمایت افکار عمومی باعث تصویب چنین قانونی شده است. بنابراین به صراحت می‌توان ابراز داشت که تشدید مجازات اسیدپاشی در این مصدق تحت تأثیر افکار عمومی بوده است.

^۲- قانون فوق مشتمل بر هفت ماده و چهار تبصره در جلسه علنی روز یکشنبه ۱۳۹۸/۰۷/۲۱ مورخ مجلس شورای اسلامی تصویب شد و در تاریخ ۱۳۹۸/۰۸/۰۱ به تأیید شورای نگهبان رسید.

^۳- قانون فوق مشتمل بر هفت ماده و چهار تبصره در جلسه علنی روز یکشنبه ۱۳۹۸/۰۷/۲۱ مورخ مجلس شورای اسلامی تصویب شد و در تاریخ ۱۳۹۸/۰۸/۰۱ به تأیید شورای نگهبان رسید.

^۴- ماده ۱۴- در کلیه موارد مذکور در این قانون، مرتکب علاوه‌بر جبران خسارت‌های مقرر در ماده ۱۴ قانون آینین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۰۴، ملزم به پرداخت هزینه‌های درمان بزه‌دیده می‌باشد، درصورتی که مرتکب با تشخیص قاضی رسیدگی‌کننده ممکن از پرداخت هزینه‌های درمان نباشد، هزینه‌های مربوطه از محل صندوق تأمین خسارت‌های بدنه پرداخت می‌شود.

۵- جرم‌انگاری اسیدپاشی

اسیدپاشی بهطور عمدی، جرم خاصی است که در طبقه ضرب و جرح و قتل قرار می‌گیرد، اما از دیدگاه جرم‌شناسی، باید اسیدپاشی را در ردیف جرم‌های خشونت‌بار بهشمار آورد، زیرا شیوه ارتکاب آن مستلزم کاربرد اسید به عنوان وسیله ارتکاب جرم و همچنین نمایانگر درجه بالایی از حالت خطرناک بزه کار است که در قالب خشونتی شدید علیه بزه‌دیده نمایان می‌شود (راجیان اصلی، ۱۳۹۲: ۱۰). این جرم از آن دسته جرایمی بهشمار می‌آید که در هر بار ارتکاب عواطف عمومی را تحریک کرده و بازتاب رسانه‌ای آن سبب رعب و وحشت در جامعه می‌شود. اسیدپاشی علاوه‌بر صدمات جدی و جبران‌ناپذیری که به قربانی جرم وارد می‌کند، موجب تباہ‌ساختن آینده و گوشنه‌نشین کردن دائمی قربانی خواهد شد. با این وجود اسیدپاشی از جرایمی است که از لحاظ تقینی محجور مانده و حتی کمتر مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است (نوریان و صنعتی، ۱۳۹۷: ۲۵).

نخستین مقررات قانونی که اسیدپاشی را به عنوان جرم قلمداد می‌کرد، ماده واحده‌ای تحت عنوان «قانون مربوط به مجازات اسیدپاشی^۱» مصوب سال ۱۳۳۷ می‌باشد. طبق منابع موجود، بین سال‌های ۱۳۳۴ و ۱۳۳۷ چند مورد اسیدپاشی در تهران و برخی شهرستان‌ها اتفاق افتاد و تکرار شد. در یکی از آن موارد، طرف جرم، یکی از قضات دادگستری بود. مرتکب جرم هم شخصی بود که در سابق به وسیله آن قاضی به حبس محکوم شده بود. اعمال انجام‌شده باعث ایجاد ضایعات عضوی و بدنی شدید و جبران‌ناپذیر شده بود. برهمین اساس ضرورت ایجاد می‌کرد جهت ایجاد آرامش مردم و اقناع آن‌ها، مقررات خاصی راجع به اسیدپاشی وضع شود که نهایتاً این مقررات همان‌گونه که گفته شد، طی ماده واحده به تصویب مقتن رسید (آقایی‌نیا، ۱۳۸۶: ۳۱۰).

^۱- هرکس عمدی با پاشیدن اسید یا هر نوع ترکیبات شیمیایی دیگر، موجب قتل کسی بشود، به مجازات اعدام و اگر موجب مرض دائمی یا فقدان یکی از حواس مجنی عليه گردد، به حبس ابد با اعمال شaque و اگر موجب قطع با نقصان یا از کارافتادن عضوی از اعضا بشود، به حبس مجرد از دو سال تا ده سال و اگر موجب صدمه دیگری بشود، به حبس مجرد از دو تا پنج سال محکوم خواهد شد. مجازات شروع پاشیدن اسید به اشخاص حبس مجرد از دو سال تا پنج سال است. در کلیه موارد مذکور در این ماده در صورت اجرای ماده ۴۴ قانون کیفر عمومی بیش از یک درجه تحفیف جائز نیست.

۱۳۷۵) و تغییر غیر قانونی کاربری اراضی (ماده ۳ قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغها اصلاحیه ۱۳۸۵) دانست.

ازدیاد چنین عمل مجرمانه‌ای از سوی مرتكبان، باعث شد تا نهادها و سازمان‌های مرتبط با موضوع به بررسی مسأله و مجازات اشخاص زمین‌خوار پردازند و در این راستا تعداد زیادی از ویلاهای، باغها و املاک مسکونی تخریب شد که این مسأله باعث رضایت افکار عمومی شد و حتی در بسیاری از مواقع، عکس‌العمل افکار عمومی باعث سرعت‌بخشیدن و شدت اجرا شد که این مسأله را ناشی از رضایت مردم درخصوص برخورد قانونی با اشخاصی بود که تحت عناوین مختلف به تصرف غیرقانونی و یا تغییر کاربری اراضی و املاک دولتی می‌پرداختند.

به عنوان نمونه می‌توان به تخریب ویلاهای، باغها و مزارع ایجاد شده به صورت غیرقانونی در استان‌های شمال و غرب کشور اشاره نمود. حساسیت و اهمیت موضوع به حدی بود که مقام معظم رهبری راساً دستور رسیدگی به این مسأله را در استان گلستان صادر فرمودند. افکار عمومی نیز از اصدار چنین دستوری ابراز رضایت کرده و خواهان تسری‌دادن آن به اقصی نقاط کشور شده‌اند، به نظر می‌رسد که چنین چیزی هم با پیگیری و خواست افکار عمومی تحقق پیدا خواهد کرد.

۴-۵- جرایم سایبری

بشر در طول حیات خود اعصار گوناگونی را پشت سر گذاشته و هریک از آن‌ها را با الهام از تحول عظیمی که در آن عصر پدید آمده و گامی از رشد و تکامل بشری را رقم زده، نامگذاری کرده است، مانند عصر آتش، عصر آهن و عصر حاضر که عصر فناوری اطلاعات و ارتباطات نام گرفته است.

با افزایش روزافزون آگاهی و دانش انسان در گذر زمان، رفتارهای علم و فناوری و تکنولوژی پیشرفت قابل توجهی داشته، به‌گونه‌ای که امروزه فناوری، بسیاری از شؤون و جنبه‌های زندگی انسان را دربر گرفته و مزایای فراوانی برای انسان‌ها فراهم آورده است. نیمه پایانی قرن بیستم و پس از جنگ جهانی دوم، دوره طلایی دانش و فناوری بشر دوره انتقال از عصر صنعت و ماشین به عصر فناوری اطلاعات است. به‌دلیل توسعه شبکه‌ها و ایجاد امکان اتصال مراکز پژوهش، علمی و تبادل اطلاعات با یکدیگر، فضای فیزیکی به وجود آمد. فضای سایبر، فضایی گسترده و وسیع است که در عرصه‌های مختلف

۵-۳- جرم‌انگاری زمین‌خواری^۱

اصطلاح زمین‌خواری عمر زیادی ندارد، اما خود زمین‌خواری، قدمتی دیرینه از زمان حس تملک انسان بر اراضی را دارد و امروزه به عنوان یکی از معضلات اجتماعی و اقتصادی از آن نام برده می‌شود و نهادها، سازمان‌ها و به‌طور کلی عده زیادی را درگیر مبارزه با خود کرده است. بدون شک زمین یک عامل مهم تولید در بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی مانند کشاورزی، جنگل، مسکونی، تجاری و صنعتی است. مالکیت زمین نیز برای افراد و کشورها یک قدرت اجتماعی و ثروت شخصی مهمی به شمار می‌رود (ابراهیمی و سوری، ۱۳۸۷: ۶۵) و بارزترین نوع تجاوز به اراضی و املاک، زمین‌خواری است. زمین‌خواری یکی از مفاسد رایجی است که در رابطه با املاک و اراضی بوده و از اجتماع چند جرم دیگر، از جمله تصرف غیرقانونی و غیرمجاز، جعل اسناد و مدارک، تغییر کاربری املاک و اراضی کشاورزی و باغی، قطعه‌بندی و تفکیک غیرقانونی، نقل و انتقالات، فروش و درنهایت کلاهبرداری در اراضی و املاک به وجود می‌آیند.^۲

به هر حال یکی از جرایم اقتصادی که باید با آن مبارزه شود، زمین‌خواری است. زمین‌خواران ثروتی را تصاحب می‌کنند که هیچ‌گاه آن را تولید نکرده و هیچ نقشی در به وجود آوردن آن نداشته و صرفاً با روش‌های ناصواب آن را تصاحب کرده و با حیله و ترفندهای مختلف آن را به فروش می‌رسانند و در این راه عده‌ای را در مقابل دولت یا مالکان واقعی قرار می‌دهند. این پدیده هنگامی که منجر به تمرکز ثروت‌های نامشروع و غیرقانونی در دست عده‌ای خاص می‌گردد، شکل خطرناکی به خود گرفته و آثار بسیار مخربی از خود بر جای می‌گذارد. از این‌روی به کارگیری اقدامات متناسب از سوی کشورها، به‌خصوص از طریق یک سیاست کیفری منسجم و جامع، درجهت ازین‌بردن آن، امری ضروری است (قنبی، ۱۳۸۸: ۱۹).

در نظام حقوقی کشورمان، عنوان مجرمانه‌ای تحت زمین‌خواری نداریم و این اصطلاح بیشتر در عرف اداری و اجتماعی رواج پیدا کرده است. با این حال می‌توان مصادیق این پدیده را دو جرم تصرف عدوانی (ماده ۶۹۰ قانون مجازات اسلامی مصوب

^۱- زمین‌خواری، اصطلاحی است که در لسان عام کاربرد فراوانی دارد و غالباً اینکه افکار عمومی در تعیین عنوان مجرمانه نیز نقش مؤثری داشته است.

^۲- معاونت مبارزه با جرایم اقتصادی، ۱۳۸

قانون اصلاح قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت غیرمجاز می‌نمایند، مصدق باز قانون گذاری بر مبنای وقایع مجرمانه در نظام حقوق کیفری ایران است. این لایحه در واکنش به احساسات جریحه‌دارشده مردم پس از تکثیر و توزیع سی‌دی حاوی تصاویر مستهجن یک هنرپیشه ارائه و تصویب شد. به دلیل اینکه پس از پخش سی‌دی احساسات افکار عمومی جریحه‌دار شده بود، بدون اینکه مخالفتی با آن صورت گیرد، به سرعت تصویب شد (امیدی، ۱۳۸۷: ۴۵). نکته جالب آن است که نمایندگان مجلس در زمان تصویب لایحه استناد می‌کردند که این لایحه به «ناموس ملی» و «ناموس کشور و ملت» مرتبط است و موجب رفع «نگرانی اجتماع» خواهد شد.

۵-۵-حمل سلاح سرد

یکی از مهم‌ترین اهداف تشکیل جوامع بشری به شکل گسترشده تأمین امنیت انسان‌ها بود. همان‌گونه که می‌دانیم انسان موجودی کاملاً اجتماعی است و کمال خویش را در اجتماعات بشری می‌جوئد. آن‌ها در طول تاریخ به این نتیجه رسیده‌اند که چشم‌بوشی از برخی آزادی‌ها و حقوق خویش و امتیازات بهتر و الاتر به اجتماعات انسانی بپیوندند. وجود اختلافات و تشابهات باعث پیدایش و بالندگی علم حقوق شود و اکنون تصور جامعه‌ای فاقد قانون و حقوق تقریباً غیرممکن است. قانون در تمامی کشورهای دارای قانون و حقوق خاص، نگهبان برقراری و پاسداری از امنیت افراد در جامعه است. به همین سبب است که نظام حقوقی هر کشوری سعی بر آن دارد به بهترین نحو ممکن امنیت را در جامعه برقرار نماید و بدین‌شکل در مقابل پدیده‌هایی که به هر نحوی بر امنیت جامعه اثر نامطلوب دارند، اتخاذ موضع و چاره‌اندیشی می‌کند. یکی از مواردی که نظام حقوقی ایران مجبور به چاره‌اندیشی و تغییر رویکرد در مورد آن شد، مسائل مربوط به سلاح‌ها اعم از حمل، نگهداری و استفاده از آن می‌باشد. سلاح در یک تقسیم‌بندی کلی به سلاح سرد و گرم تقسیم می‌شوند. سلاح‌های گرم، از جمله اسلحه کمری، نارنجک به نسبت نوع دیگر دارای تنوع بیشتر و استفاده راحت هستند. سلاح‌های سرد هم از جمله چاقو، قمه، پنجه بوکس نسبت به انواع دیگر خود، دارای بیشترین استفاده هستند، چراکه هم حمل آن‌ها ساده و هم تهیه آن‌ها راحت است. جرایم متعددی هم به وسیله این قبیل سلاح‌ها صورت گرفته است و افکار عمومی هم معتبرض چنین وضعیتی بوده که افرادی در

جامعه بشری نفوذ یافته و کاربردها و نتایج اقتصادی قابل توجهی نیز دارد.

فضای سایبر به لحاظ ویژگی‌ها و امکانات متمایزی که دارد فرصت مناسبی در اختیار کاربران این فضا قرار می‌دهد. این امکان و فرصت مناسب، چالش‌هایی را نیز به دنبال دارد. در فضای سایبری حضور فیزیکی افراد تقریباً حذف شده و نوعی هویت الکترونیکی جای آن را می‌گیرد، هویتی که گمنام است و امکان آشکارشدن برای عموم وجود ندارد. اغلب افراد هویتی مجازی خلاف آنچه در واقعیت دارند، در فضای سایبری برای خود برمی‌گزینند (بحیرائی، ۱۳۹۲: ۱۱). در این فضا واسطه‌های انتقال اطلاعات از بین رفته و مزه‌های سیاسی و جغرافیایی هم معنای ندارند و امکان ارتباط با نزدیک‌ترین یا دورترین نقطه کره زمین فراهم گردیده، این موضوع در دنیای امروز به همان نسبت، بلکه فرصت ایجاد کرده است باعث خلق آسیب‌هایی هم شده است.

به هر حال همان‌گونه که رایانه و اینترنت باعث فرصت‌های خوبی در راستای برآورده کردن نیازهای بشر شده، امکان سوءاستفاده و ایجاد نوع خاصی از جرایم رایانه‌ای، تحت عنوان جرایم سایبری را هم فراهم آورده که مقتن هم در همین راستا نسبت به جرم‌انگاری این اعمال اقدام نموده است.

رونده صعودی پیشرفت در زمینه تکنولوژی و فناوری باعث خلق انواع نرم‌افزارهای اجتماعی، سرگرمی و ... شده است که این موارد هم دلیلی بر افزایش ارتکاب سهل و راحت جرایم سایبری از سوی مرتكبان این‌گونه جرایم شده که باعث شده مقتن تا حدودی درخصوص برخی از جرایم تدبیر و مجازات‌های شدیدتری را صرفاً به خاطر اقناع افکار عمومی و تأثیر آن بر مجازات این اشخاص، اتخاذ نماید.

در غالب این موارد، افکار عمومی به خاطر ترس از جرم و یا به بهانه مداخله در حریم خصوصی افراد، نسبت به جرایم ارتکابی در فضای سایبری واکنش آنی، احساسی و هیجانی دارند و سعی می‌نمایند با ایجاد فضای خاص، مراجع و مقامات ذی‌ربط را وادار نمایند تا بدون رعایت یکسری از تشریفات دادرسی یا مراحل قانون‌گذاری، نسبت به مجازات مرتکب و یا تصویب قانون شدید (یا شدیدتر) اقدام نمایند.

عمومی در راستای وادارنمودن مقتن به برخوردهای قانونی چنین شرکت‌هایی آغاز شد.

چراکه مجموع اقدامات صورت‌گرفته توسط شرکت‌های هرمی، یک فعالیت غیرسازنده، ماهیتاً و فی‌نفسه مجرمانه و معارض با نظام اقتصادی کشور بود که آشکارا موجبات ارتکاب اعمال مجرمانه دیگری چون کلاهبرداری، اخاذی و ... را در لوای فعالیت‌های به‌ظاهر اقتصادی و مشروع فراهم آورد و سبب‌ساز سوداندوزی عده‌ای و تباہی جمعی افزون‌تر را فراهم آورد (حاجی ده‌آبادی و خادم، ۱۳۹۶: ۵۸).

به هر حال نظر به اینکه عده کثیری از مردم، بزه‌دیده چنین شرکت‌هایی واقع شدن، جهت احقاق حق خویش به مراجع قضایی روی آوردند، خلاً و ضعف قوانین باعث شد که قانون‌گذار از طریق جرم‌انگاری و تصویب قانون «الحال» یک بند و یک تبصره به ماده ۱ قانون مجازات اخلالگران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹ و اصلاح تبصره ۱ ماده ۲ آن^۳ به مبارزه و پیشگیری از انجام عملیات‌های شرکت‌های هرمی، پپردازد. براساس این قانون، هیچ تردیدی در مجرم‌بودن اشخاصی که دست به فعالیت‌های شرکت‌های هرمی می‌زنند، وجود ندارد و عضویت در چنین شرکت‌هایی جرم تلقی شده و متعاقباً برای آن عمل کیفر در نظر گرفته شده است، چراکه در این شرکت‌ها خبری از تولید، کالای مصرفي و کار مفید نیست و تنها هرم‌هایی را تشکیل می‌دهند که در آن‌ها پول افرادی که در سطوح پایین‌تر هرم قرار دارند، به جیب شرکت و افرادی محدود می‌رود که در رأس هرم قرار می‌گیرند (اسکینی و مهربخش، ۱۳۹۱: ۳). بنابراین این قانون نیز تحت تأثیر فشار افکار عمومی تصویب و به مرحله اجرا درآمد، درواقع قانون‌گذار برای اقناع افکار عمومی در راستای خواست او حرکت نمود و بدین‌شکل به حمایت از بزه‌دیدگان چنین جرایمی پرداخت.

نتیجه‌گیری

ظهور و پیدایش اشکال مختلفی از بزه‌کاری، نحوه ارتکاب، نوع جرم و اطلاع‌رسانی آن‌ها باعث مداخله افکار عمومی در سیاست کیفری ایران شده است. این مسئله به عنوان یک واقعیت انکارناپذیر نظام عدالت کیفری به‌حساب آمده که دیگر

^۳- قانون فوق مشتمل بر ماده واحده در جلسه علنی روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۰/۲۸ مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۴۰۴/۱۰/۲۸ به تأیید شورای نگهبان رسید.

جامعه با استفاده از انواع و اقسام این سلاح‌ها نسبت به مردم متجاوز شده و امنیت جانی، مالی و ... شهروندان را به مخاطره می‌اندازند، درنهایت نیروی انتظامی با در نظر گرفتن شرایط و اوضاع و احوال حاکم بر این مسئله که استفاده نامشروع و غیرمجاز از سلاح سرد علیه شهروندان باعث ناراضیتی و سلب آرامش روحی و روانی آن‌ها شده است، طرحی مبنی بر ممنوعیت حمل سلاح سرد و مقتن را وادار به تغییر قولین و تصویب و الحق دو تبصره^۱ به ماده ۶۱۷ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات ۱۳۷۵) کردند.

۶-۵- جرم‌انگاری فعالیت در شرکت‌های هرمی
تولد اینترنت به عنوان یک تکنولوژی جدید، زندگی بشر را در تمام ابعادش دگرگون ساخت و او را وارد دنیایی پر از اطلاعات و امکانات بی‌حد و حصری کرد، به‌گونه‌ای که دیگر مرزها معنا و مفهوم خویش را از دست دادند و انسان قادر شد در هر جایی که هست، از تمام اطلاعات جهانی بهره ببرد. دقیقاً از همین جا بود که عرصه جدیدی در مبادلات تجاری، انسان را فریفته خود کرد. پیشرفت فناوری و ورود رایانه به بازار کار، تجارت الکترونیکی را به وجود آورد و نهایتاً به‌دبیل آن بازاریابی شبکه‌ای شکل گرفت.

بنابراین فعالیت و حضور شرکت‌های هرمی در جامعه ایران، نمود و چشم‌اندازی از ایجاد و توسعه تجارت الکترونیکی بود. فعالیت و عضویت در چنین گروه‌هایی در ابتدای جرم نبود و مورد بی‌توجهی مقتن واقع شده بود. درواقع در ابتدای امر فعالیت آن‌ها با رنگ و لعب موجه و قانونی شروع شد، اما به‌تدريج جامعه پی به ضررهای آن شرکت‌ها برای نظام اقتصادی کشور برد و با توجه به اینکه اعضای چنین شرکت‌هایی به سوءاستفاده از مردم پرداختند و بدین‌شکل اموال آن‌ها را تصاحب می‌کردند، زمینه لازم برای اعتراض‌های مردمی و جهت‌گیرهای افکار

^۱- تبصره ۱- حمل قمه، شمشیر، قداره و پنجه بوكس در صورتی که صرفاً به‌منظور درگیری و ضرب و جرح انجام شود، جرم محسوب و مرتكب به حداقل مجازات مقرر در این ماده محکوم می‌گردد. واردات، تولید و عرضه سلاح‌های مذکور منوع است و مرتكب به جزای نقدي درجه شش محکوم و حسب مورد این سلاح‌ها به نفع دولت ضبط یا معلوم می‌شود؛ تبصره ۲- تولید، عرضه یا حمل ادوات موضوع تبصره ۱ در موارد ورزشی، نمایشی، آموزشی و نیاز ضروری اشخاص برای استفاده شغلی یا دفاع شخصی پس از دریافت مجوز بلامانع است. نحوه و مرجع صدور مجوز به موجب آیین‌نامه‌ای است که ظرف مدت سه‌ماه از تاریخ ابلاغ این قانون با پیشنهاد وزرای دادگستری و کشور و با همکاری نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران تهییه می‌شود و به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.

افکار عمومی و مطالبات عمومی همخوانی داشته باشد. بنابراین در این برهه زمانی به هیچ عنوان نمی توان نقش افکار عمومی را در جهتدهی سیاست کیفری دولتها نادیده گرفت، بلکه ضمن پذیرش این مسأله، باید پذیرفت، در بسیاری از موارد افکار عمومی باعث جرم‌انگاری یا جرم‌زادی یک رفتار خاص شده است. بنابراین افکار عمومی نقش بارزی را در نظام حقوق کیفری ایران بازی می نماید، اما همیشه این نقش، منجر به نسخ قانون یا تصویب آن نشده است، بلکه در بسیاری از موقع و اکنش آن باعث تعیین مجازات، تشدید و نهایتاً اجرای فوری مجازات در نظر گرفته شده است، بدین ترتیب افکار عمومی بیشترین کارکرد و اثر را زمانی بر نظام حقوقی کیفری ایران خواهد گذاشت و سیاست‌گذاران جنایی را وادار به همسویی با خود می کند که جرم ارتکابی، از جمله جرایمی باشد که احساسات عمومی را جریحه دار نماید و مردم نسبت به آن حساس باشند و یا نحوه ارتکاب آن به گونه‌ای باشد که اخلاق و نظم عمومی را جریحه دار کند. فارغ از این قبیل مسائل جنسیت و سن بزهده دیده هم تأثیر فراوانی در این قضایا دارد و افکار عمومی نیز به بهانه همزادپنداری با بزهده دیده و ابراز همدردی و همنوعی با او عکس العمل‌های هیجانی و احساسی نشان داده و باعث می شود که سیاست‌گذاران جنایی به خواست آنها پاسخ مثبت نشان داده و با تصویب، تغییر و یا نسخ قانون یا تعیین و تشدید مجازات به اقناع افکار عمومی پردازند.

بنابراین مشخص می شود اهمیتی که امروز افکار عمومی در سیاست کیفری دارد، به مثابه روزگاران کهن نیست، بلکه به همراه ظهور وسائل نوین و پیشرفت‌هه ارتباط جمعی تأثیر زیادی بر نحوه تصمیم‌گیری و برخورد دستگاه عدالت کیفری با مجرمان داشته است. قانون‌گذار نیز در بسیاری از موارد از شیوه‌های اقنانی برای آن درخصوص مقابله و مبارزه با جرایم و مرتکبان بهره برده است.

پیشنهادها:

۱- سیاست‌گذاران کیفری اگر قصد دارند یک سیاست کیفری کارآمد و کارا داشته باشند، باید سعی نمایند که آگاهی‌های عمومی را درباره موضوعات عدالت کیفری، نرخ جرایم، کارکردها و اهداف مجازات‌ها و ... افزایش دهند.

۲- کنترل احساسات و هیجانات عامه مردم و برخورد منطقی با آن.

به‌نهایی در تمامی موارد قادر به تصمیم‌گیری درخصوص جرم‌انگاری و کیفرگذاری نیست، بلکه باید در برخی از موارد در راستای اقناع افکار عمومی - عامه مردم - تصمیم‌گیری نماید، چراکه امروزه افکار عمومی به عنوان پدیده‌ای همیشه حاضر در جوامع انسانی، یک متغیر مهم در شکل‌دهی و واکنش به جرم و بی‌نظمی است.

اگرچه در قانون اساسی هیچ کشوری به افکار عمومی به عنوان یک نیروی سیاسی اشاره نشده است، لکن این مسأله باعث کاهش قدرت وی در تحکیم یا تضعیف قدرت اجرایی قوانین در مراحل مختلف نشده است، بلکه پیوند و ارتباط افکار عمومی با پدیده‌های دیگر، از جمله با اکثریت، تبلیغات، رسانه‌های گروهی، هنجارهای ارزشی و پذیرفته شده جامعه و ... باعث اهمیت و تأثیر دوچندان آن در جرم‌انگاری‌ها در نظام حقوق کیفری ایران شده است.

افکار عمومی بخشی از نیروی درونی یک ملت را تشکیل می‌دهد، ولی همواره ثابت و یکسان باقی نمی‌ماند، بلکه در حال تحول و تکامل است. این تحول براساس احوال اجتماعی نوع بشر در هر زمان با زمان‌های دیگر متفاوت بوده و برحسب قالب اجتماعی خود متغیر است.

افکار عمومی هر جامعه‌ای در بستر قالب‌های ارزشی، اجتماعی و فرهنگی آن جامعه شکل می‌گیرد، یعنی هر جامعه‌ای، در حوالات مختلف، واکنش‌های جمعی خاص خود را نشان می‌دهد که از یک جامعه به جامعه دیگر و حتی از یک زمان به زمان دیگر تفاوت می‌کند. باتوجه به اهمیت افکار عمومی در کشورهای مختلف و از جمله ایران، بهویژه در سال‌های اخیر، مطالعه آن به عنوان یک مقوله مهم در قانون‌گذاری ایرانی نگاه ویژه‌ای به آن داشته و در اغلب جرم‌انگاری‌ها یا کیفرگذاری‌ها به خواست آن احترام گذاشته است.

به‌هرحال امروزه سیاست‌گذاران کیفری باید پیذیرند که خواه یا ناخواه، افکار عمومی در سیاست کیفری دخیل است، کارکرد خواهد داشت و مؤثر می‌باشد، در این عصر هرچه به سمت سیاست جنایی مشارکتی در حرکت می‌باشیم، صحبت از ضمانت اجرایی می‌کنیم که به کارگیری آن‌ها جز با مشارکت عمومی مقدور نیست و زمانی موقیت حاصل می‌شود که با

- آقابابایی، حسین (۱۳۸۴). «گفتمان فقهی و جرم‌انگاری در حوزه جرایم علیه امنیت ملت و دولت». *فصلنامه حقوق اسلامی*، ۵(۲): ۴۲-۱۱.
- آقابخشی، علی و افشاری‌راد، مینو (۱۳۷۹). *فرهنگ علوم سیاسی*. تهران: چاپار.
- آقایی‌نیا، حسن (۱۳۸۶). *حقوق کیفری اختصاصی*. جرایم علیه اشخاص: جنبات. تهران: نشر میزان.
- براید، شن مک (۱۳۹۱). *یک جهان، چندین صدا*. ترجمه ایرج پاد، تهران: نشر سروش.
- بشریه، حسین و همکاران (۱۳۹۵). *حقوق بشر و مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت*. تهران: خرسنده.
- پاکنهاد، امیر (۱۳۹۳). *سلسله نشته‌های تازه‌های علوم جنایی*. شیراز: دانشگاه شیراز.
- حاجی ده‌آبادی، محمدعلی و خادم، سمیرا (۱۳۹۶). «تحلیل جرم‌شناختی پدیده شرکت‌های هرمی». *مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز*، ۹(۱): ۸۷-۵۷.
- خالقی، علی (۱۳۸۳). «ممنوعیت انتشار جریان محاکمات؛ محدودیتی ناروا». *مجله وکالت*، شماره ۲۳ و ۲۴.
- دادگران، محمد (۱۳۹۳). *افکار عمومی و معیارهای سنجش آن*. تهران: انتشارات مروارید.
- دلماس مارتی، مری (۱۳۹۳). *مدل‌های بزرگ سیاست جنایی*. ترجمه علی‌حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: نشر میزان.
- رابرتز، جولیان، وی و دیگران (۱۳۹۲). *عوام‌گرایی کیفری و افکار عمومی*. درس‌هایی از پنج کشور. ترجمه زینب باقری‌ژناد و دیگران، تهران: نشر میزان.
- رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۸۵). «تحول حقوق جهانی بزه دیدگان بر پایه اصل هم‌ترازی حقوق بزه‌دیده و متهم در بستر دادرسی عادلانه». *مجله حقوقی دادگستری*، شماره ۵۶-۵۷: ۱۸۴-۱۳۷.
- سووی، آفرود (۱۳۵۴). *افکار عمومی و اثر آن در زندگی اجتماعی*. ترجمه جمال شیمرانی، تهران: سهایی کتاب‌های جیبی.

۳- دخیل‌نمودن افکار عمومی به شیوه‌ای رسمی یا درخصوص سازمان‌های مردم‌نهاد، درخصوص جرم‌انگاری‌ها همراه با ایجاد و فراهم کردن بسترها لازم.

۴- سازماندهی افکار عمومی توسط سازمان‌های مردم‌نهاد، جهت فرهنگ‌سازی در زمینه مبارزه با جرم و ناهنجاری.

ملاحظات اخلاقی: ملاحظات اخلاقی مربوط به نگارش متن و نیز ارجاع به منابع رعایت گردید.

تقدیر و تشکر: از تمام کسانی که بندۀ را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، کمال تشکر را دارم.

سهم نویسنده‌گان: نگارش این مقاله براساس اصول نگارش مقالات حقوقی در تمامی مراحل تهیه پلان، جمع‌آوری منابع و نگارش توسط نویسنده صورت گرفته است.

تضاد منافع: این پژوهش فاقد هرگونه تضاد منافع است.

منابع و مأخذ

الف. منابع فارسی

- ابراهیمی، محسن و سوری، علی (۱۳۸۷). *اقتصاد منابع طبیعی و محیط زیست*. تهران: نور علم.

- اخوت، محمدعلی (۱۳۸۹). «جلوه‌هایی از رویکرد عرف در نظام کیفری ایران». *مجله تحقیقات حقوقی*، ۳۷-۳۰: ۱۰۳.

- ارمغان، مسعود و نقدی‌سپهوند، اکبر (۱۳۹۶). «سیاست جنایی ایران در قبال جرایم علیه اموات». *مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه*، دوره سوم، شماره ۱۱۱-۱۰۰.

- امیدی، جلیل (۱۳۸۷). «گفتمان سیاست جنایی مجلس هفتم». *مجله حقوقی دادگستری*، شماره ۶۳ و ۶۲: ۵۸-۴۱.

- امیدی، جلیل و نیکوبی، سمیه (۱۳۸۷). «تعريف و مبانی علمی‌بودن دادرسی کیفری». *پژوهش‌های حقوق تطبیقی*، ۱۲(۳): ۳۸-۲۳.

- آخوندی، محمود (۱۳۹۴). *آینین دادرسی کیفری*. جلد دوم، تهران: دوراندیشان.

- آشوری، محمد و مندنی، اسلام (۱۳۹۷). «تحلیل سیاست جنایی امنیت‌دار در پرتو اصول اخلاقی و موازین حقوق بشری». *پژوهش‌های اخلاقی*، ۳۳-۳۰: ۲۰۴-۱۸۳.

- هوشمند، مهرداد (۱۳۸۴). *فرهنگ علوم اجتماعی*. تهران: نشر آوای دانش گستر.

ب. منابع انگلیسی

- Anastasio, A; Karen, R and Chapman, J (1999). *Current Direction in Psychological Science*. DOL: 10. 1111/1467-8721.00036.
- Howitt, D (1998). *Crime, the Media and the Law*. Chichester: John Wiley and Sons.
- Keijser, W; Koppen, J & Elffers, H (2007). "Bridging the Gap between Judges and the Public? A Multi Method Study". *Journal of Experimental Criminology*, 3(2).

- شیدائیان، مهدی و رجبی سلمان، جواد (۱۳۹۵). «بزه‌دیده و عوام‌گرایش در سیاست کیفری». *حقوق جزا و سیاست جنایی*, ۱(۲): ۲۷۵-۲۵۵.

- علی‌بابایی، غلامرضا (۱۳۸۲). *فرهنگ سیاسی*. تهران: نشر آشتیان.

- غفوری، محمود و کمالی، یحیی (۱۳۸۹). «افکار عمومی و سیاست‌گذاری عمومی». *فصلنامه سیاست*, ۴۰(۲): ۱۷۱-۱۸۸.

- قربانی، ابراهیم؛ بیگی، جمال و پورقهرمانی، بابک (۱۴۰۰). «جایگاه افکار عمومی در محاکم کیفری از دیدگاه دست-اندرکاران نظام عدالت کیفری». *فصلنامه تعالی حقوق*, ۱۲(۱): ۲۸-۲.

- قبیری، مجید (۱۳۸۸). *تصرف غیرقانونی در وجود اموال دولتی و عمومی*. تهران: انتشارات نوآور.

- لازار، ژودیت (۱۹۹۴). *افکار عمومی*. ترجمه مرتضی کتبی، تهران: نشر نی.

- لازر، کریستین (۱۳۸۲). *سیاست جنایی*. ترجمه علی‌حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: نشر میزان.

- معاونت مبارزه با جرائم اقتصادی (۱۳۸۸). *جزوه کارگاه آموزشی زمین‌خواری*.

- منصورآبادی، عباس (۱۳۷۹). *اختلاس در حقوق ایران*. مصر و آمریکا. پایان نامه دوره دکتری، دانشگاه تربیت مدرس.

- مهرآرا، علی‌اکبر (۱۳۷۳). *زمینه روان‌شناسی اجتماعی*. تهران: انتشارات مهرداد.

- نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین (۱۳۸۳). *تقریرات درسی جرم‌شناسی*. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

- نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین (۱۳۹۱). *از حقوق کودکان تا حقوق کودکان*. دیباچه در آسیب‌شناسی حقوق کودکان در ایران. نوشته، مدنی قهفرخی، زینالی، امیر حمزه، تهران: نشر میزان.

- نقیب‌زاده، احمد (۱۳۸۸). *درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی*. تهران: سمت.



Journal of

Contemporary Legal Thought

www.lthjournal.ir



Volume 4, Issue 1, 2023

The Effect of Public Opinion on Criminalization in Iran's Criminal Policy

Ebrahim Ghorbani¹

1. Ph.D of Criminal Law and Criminology, Member of the Bar Association of the Judiciary, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 27-45

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0001-4909-777X

TELL: +989144442440

Email: ghorbani9@yahoo.com

Article history:

Received: 02 Nov 2022

Revised: 19 Dec 2022

Accepted: 09 Jan 2023

Published online: 21 Mar 2023

Keywords:

Public Opinion, Populism, Criminalism, Criminal Policy.

ABSTRACT

One of the social phenomena that has an important place in criminal policies is public opinion. This phenomenon has different functions in criminal policy according to the structure and framework of political and legal systems. One of the influential aspects of this phenomenon in Iran's criminal policy is the discussions related to criminalization. This issue and the degree of impact has caused the criminal policy-makers to consider it as an important factor in determining crimes and punishments. Therefore, paying attention to public opinion in determining the basis and criteria of criminalization can have useful results for criminal policy. The current research was conducted with the purpose of explaining the role and influence of public opinion on Iran's criminal policy, with a descriptive and analytical method, based on library studies. The findings of the research indicate that the public opinion with its reaction to the incidents committed in the society has had a significant impact on criminalization and this issue has provided grounds for attracting the attention of the criminal policy makers to the public opinion. Therefore, the criminalization of acid attacks, land grabbing, criminalization of activities in pyramid companies, etc. are among the criminalizations affected by public opinion on criminal policy.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2023 The Authors.

How to Cite This Article: Ghorbani, E (2023). "The Effect of Public Opinion on Criminalization in Iran's Criminal Policy". *Journal of Contemporary Legal Thought*, 4(1): 27-45.